[376] نور خدا تافت از آن روی ماه * خاصه از آن چشم درشت سیاه * سرخی گل عکس گل روی توست * ظلمت شب سایهء گیسوی توست * روز که خورشید درخشان صبح * سر زند از چاك گریبان صبح * سرخی آن نور وپگاه سپید * روی افق نقش تو آید پدید * أي رخ تو در رمضان بدر ما * هر سر موی تو شب قدر ما * دیده که بی نور تو شد کور به * سر که نه در پای تو، در گور به * بعد علی شاخص عترت توئی * وارث میراث نبوت توئی * مصلحت ملت اسلام ودین * کرد تو را گوشهء عزلت نشین * هیچ گذشتی چو گذشت تو نیست * آنکه ز شاهی بکشد دست کیست * صبر هم از صبر تو بی تاب شد * کوزه شد وزهر شد وآب شد * بعد شهادت نکشید از تو دست * تیر شد وبر تن پاکت نشست * _____